

نگاهی به ریاض الملوک

سلمی

دانشجوی دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور
 پروفیسر دکتر محمد صابر
 گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور

A Glimpse at Riaz-ul-Maluk

Salma

PhD Scholar, Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Prof. Dr. Muhammad Sabir

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract:

The historian and poet Muhammad Ghaus s/o Muhammad Faiq Qutb Shahi Pishawari belonged to the era of Ahmad Shah Abdali and was one of his countrymen. He was also a teacher and trainer of Prince Taimoor Two of whose works discovered are "Diwan" (Collection of poetry) and "Riaz-ul-Maluk". "Riaz-ul-Maluk" is comprised of a preamble, two elegies/ accounts and a conclusion. In the preamble, the writer shares purpose of writing the book, in which he says that he wrote the book on the demand of attorneys of the court, who told him to pen down accounts of the life of kings and chiefs and offer them some words of counsel and then present the book to the king, so that he might use the book for his benefit during his leisure times. In the first eleg/account, the writer mentions life of kings. And in the second elegy/ account, he mentions life of other people than kings

Keywords:

Muhammad Ghaus, Ahmad Shah Abdali, Riaz-ul-Maluk, Two elegies, Subcontinent.

چکیده:

ریاض الملوک تالیف محمد غوث پیشاوری است و او این اثر گرانبها را به شاهزاده تیمور اهدا کرد و این کتاب مشتمل بر مقدمه، دو روضه و خاتمه است. روضه اول در مورد سلاطین سلف و روضه دوم در باره امرای نامدار است و هر دو روضه چهار گلدسته دارد. گلدسته اول در عدل، گلدسته دوم در مروت، گلدسته سوم در سخاوت و گلدسته چهارم در غیرت و همت است و خاتمه درباره وصایا است.

واژگان کلیدی:

محمد غوث پیشاوری، ریاض الملوک، مقدمه، دو روضه، خاتمه و شبه قاره.

مؤلف این کتاب محمد غوث پیشاوری بود. وی شاعر و نویسنده شبه قاره بود و در زمان احمد شاه درانی در قرن دوازدهم هجری قمری زندگی می کرد. پدرش محمد فایق قطب شاهی پیشاوری بود و او به دربار احمد شاه درانی منزلت یافت و استاد شاهزاده تیمور بود. درباره احوال مؤلف بیشتر آگاهی به دست ما نرسیده است.

از آثارش دیوان و ریاض الملوک دیده می شود (نیا طبری، ۱۳۸۰ش، ص ۲۶۵۷). ریاض الملوک مشتمل بر یک مقدمه، دو ریاض و خاتمه است و هر روضه مشتمل بر چهار گلدسته است، یعنی عدل، مروت، سخاوت، غیرت و همت است (احمد، ظهور الدین، ۱۹۷۷م، صص ۸۸۵ - ۸۸۶). درین کتاب مؤلف پادشاهان و امرای بزرگ و نامدار را پند و نصایح کرده است. نثرش ساده و روان است.

وی آغاز کتاب خود را با حمد و ستایش آفریدگار و پروردگار دو عالم کرده و گفته است که او جهان را زیبا و پر رنگ و نور آفریده و تمام جهان شان و شوکت خدای متعال را گواهی می دهد و در ابیات خود او را چنین ستوده است.

گهی	از	شهی	دادگر	ملک	را
دهی	رونق	روضه	ای	با	صفا
ز	بی	دادگر	گاه	بخش	کنی
همه	هست	و	بودش	بهم	برزنی
بهر	روز	شانی	دگر		باشدت
کرا	زهره	آنکه			بشناسدت
جهان	را	به	فرمان	چندین	شیون

نگهداشتی از غیون و فنون

(ص ۳)

بعد از ستایش پروردگار، استسقای ابر رحمت نعت سید المرسلین و سیراب شدن گشت، امید هر صاحب خرمن و خوشه چین و بعد از آن استحکام قصر ایمان از تمسک به ذیل مناقب آن چهار ارکان نوشته که بر رای فیض پیرای دانشمندان اولی الالباب و خرد پروران کامیاب مخفی خواهد بود که هر گاه بنای ایوان خجسته بنیان دین متین بدون تولایی آن چهار سرور که به مثابه چهار دیوارند، صورت استحکام نمی کرد.

هر کس کزین چهار یکی را خلاف کرد
او را یقین بدان ز جهودان خیر است

(ص ۵)

سپس در مورد تیرک جستن به ذکر اوصاف خدیو کامگار خسرو خورشید و قار خلد الله ملکه نوشته و قطع منازل مقصود به نور مشعل اوصاف حضرت استاد کامل وجود را نوشته و درینجا ابیات حافظ شیرازی نقل کرده است.

آنها که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
دردم نهفته به ز طیبیان مدعی
باشد که از خزانه غیث دوا کنند

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶۵)

سپس اظهار اسباب املائی این دفتر ارجمند از واردات احوال این احقر مستند را نوشته است که: بعد از نغمه پردازای احوال حمد و تحیت و خنیاگری مبنای مدح و منقبت جنگ زبان را به مضراب مقال چنین نوا سنج احوال می سازد که این کمترین و کهنترین خلاق محمد غوث بن محمود فایق قطب شاهی پیشاوری به سبب ناسازی و کثرت علایق و موجب مساعدی ایام و هجوم عوایق، قبل ازین اراده سفر هندوستان نموده..... به مقتضای کریمه. بعد از آن در طلب دعا از خدمت عزیزان صاحب صفا نوشته و در اینجا ابیات سعدی شیرازی نیز نقل کرده است. مثال:

باطل	است	آنچه	مدعی	گوید
خفته	را	خفته	کند	بیدار
مرد	باید	که	اندر	گوش
ور	نیش	است	بر	دیوار

(سعدی شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۰۴)

بعدا فهرست کتاب و تهذیب ابواب ذکر کرده و او می نویسد که بعد از سر انجام مهام املائی و پس از تدارک لازم تالیف این هدیه محقر را به ریاض الملوک موسوم ساخته بر مقدمه و روضتین و خاتمه بنیاد نهاد.

مقدمه در بعضی نکات که موقوف علیه سلطنت و ریاست است، باید دانست که ارکان پادشاهی چهار است. اول پادشاه، دوم رعیت، سوم دولت، چهارم عدل و تدبیر. و می گوید که پادشاه را پنج نوع سیاست لابد است. اول سیاست نفس، دوم سیاست بدن، سوم سیاست خواص، چهارم سیاست جمهور رعیت، پنجم سیاست جنگها. و می گوید که پادشاه برین اصناف اعتماد نکند. اول بدی، دوم بی دینی، سوم کسی که حرص برو غالب باشد، چهارم کسی که از مرتبه افتاده باشد، پنجم کسی که پادشاه او را رانده باشد. ششم گناهکاری، هفتم شخصی که او را به جماعتی بند کرده باشند، هشتم دشمنان و حاسدان که اکفا باشند، نهم آنکس که متضرر شود، دهم مضر درد فاقه، یازدهم آنکس که از دشمنان پادشاه امیدوارتر باشد از پادشاه، دوازدهم آنکس که دشمن ستمدیده باشد.

و می گوید که باید دانست که تدبیر پادشاهی از چهار طریق بیرون نیست. اول طریق عقل، دوم طریق جود، سوم طریق سیاست، چهارم طریق خرم. او بیشتر می گوید که باید دانست که آنکه پیوسته با تدبیر است، او را شش چیز حذر باید کرد. اول وزیر غیر کافی، دوم مشورت کردن با غیر امین، سوم استعانت خواستن از غیر مستقل، چهارم سر خود گفتن با غیر معتمد، پنجم ضایع کردن مرد عاقل، ششم با جاهل نیکویی کردن. وی این اقسام را به هفت قسم تقسیم کرده است. اول خدا پرستان، دوم حکیمان، سوم عالمان، چهارم خداوندان شرف و نسب، پنجم ارباب لشکر، ششم بازاریان و هفتم اهل سباق.

وی قسمی دیگر به سه قسم تقسیم کرده است. اول اخیار افاضل، دوم اشرار ارادل، سوم متوسطان. و می گوید باید دانست که آنچه بر رعیت واجب است، این است. اول باید که تتبع و جست و جوی پادشاه نمایند، دوم نصیحت به پادشاه نگویند، سوم در نظر پادشاه تحسین عدل کند، چهارم چون ظلمی بر ایشان واقع شود به پادشاه عرضه داشت کند،

پنجم چون به واسطه پادشاه شادی در خاطر ایشان در آید اظهار کنند، ششم چون پادشاه را غمی پیش آید در آن غم شریک باشند، هفتم در هیچ امری از امور مخالفت پادشاه ننمایند،

وی اقسام عدل را نیز چنین مطرح کرده است. اول آنچه خدای تعالی به بندگان تعلق دارد، دوم آنچه حق بعضی مردم بر بعضی تعلق دارد، سوم آنچه به حقوق گذشتگان تعلق دارد.

روضه اول

در ذکر بعضی از سلاطین و خلف انار الله برهانهم است و مشتمل بر چهار گلدسته است و هر گلدسته مشتمل بر حکایات است.

گلدسته اول:

درباره عدل است و درین هیجده حکایت از زمان مختلف نوشته شده و از کتابهای مختلف گرفته شده است و درین گلدسته وضع سیاسی تیموریان شبه قاره نیز ذکر شده است.

گلدسته دوم:

این درباره سخاوت است و در این ده حکایت نوشته شده است و در این حکایات از کتابهای تواریخ اهل هند، روضه الصفا و غیره نقل شده است.

گلدسته سوم:

این درباره مروت است و مشتمل بر پنج حکایت است و این حکایات از کتاب روضه الطاهرین نقل شده است. گلدسته چهارم: این درباره همت و غیرت است و مشتمل بر یازده حکایت است و این حکایات از کتابهای روضه الطاهرین، تذکره دولت شاهی و غیره گرفته شده است.

روضه دوم

در ذکر بعضی امرا است و مشتمل بر چهار گلدسته است.

گلدسته اول:

درباره عدل است و درین یازده حکایت نوشته شده است و از کتابهای تاریخ فرشته، سراج القلوب، اخیار ابرار و غیره نقل شده است.

گلدسته دوم:

درباره سخاوت است و مشتمل بر شش حکایت است. از کتاب روضه الطاهرین و غیره استفاده گرفته شده است.

گلدسته سوم:

درباره مروت است و درین چهار حکایت نوشته شده است.

گلدسته چهارم:

درباره غیرت و همت است و مشتمل بر پنج حکایت است و از کتابهای تاریخ هندی و غیره نقل شده است.

خاتمه

در مورد بعضی امور لاچاری و وصایا است.

پادشاه را از ده مخصوص یعنی حاکم عادل، وزیر عامل، کاتب عارف، حاجب عاقل کافی، مال بسیار، اخوان و انصار، طبیب حاذق، صاحب طعام و لشکر قوی لازم است.

در آخر شانزده وصایا نوشته شده است که از این آفتها باید احتراز کرد.

اول شاه بدی سیرت، دوم وزرای خبیث، سوم لشکر مخالفت مهتران، چهارم امرا مفارقه اطاعت، پنجم رعیت ضعف سیاست، ششم علمای حب ریاست، هفتم قضاوت شدت طمع، هشتم عدول قلت ورع، نهم ملک دشمنی حامیان، دهم عدل میل والیان لا لا لا، یازدهم رای ضایع کردن خرم، دوازدهم قوت خصم را ضعیف داشتن، سیزدهم محل عوایق قضا، چهاردهم محبت عتاب بسیار، پانزدهم منم درشتی منت، شانزدهم مذنب بدگمانی.

معرفی نسخه خطی

نسخه خطی ریاض الملوك منحصر به فرد است در مجموعه سید عبدالله به شماره ۷۰۹ / PeI / ۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور نگهداری می شود. (عبدالله، ۱۹۳۸م، ص ۶۲؛ منزوی، ۱۹۹۰م ۱۰ / ۵۲۱) و این نسخه در خط نستعلیق است و در امر تسر ۵ رجب ۱۲۳۹ ق نوشته شده است و مشتمل بر ۸۳ برگ است.

آغاز نسخه خطی

غواصی خاصه سحرکار در قعر بحر و فکر و حیث آوردن در شاهوار حمد و ثنای ایزد کردگار، عنوان طغرای رقم ایجاد عالم و توقیع فرمان فرخنده نشان بنی نوع آدم ستایش خداوند بی مثل عدیم مانندای است که سطوت و قهرمان کارگاه سلاطین که اساطین کاخ تکوین اند، بر جلال بارگاه کبریای او گواهی می دهد.....

انجام نسخه خطی

..... از عنایت به غایت جناب مستطاب ایزی جل شانہ فراغت حاصل شد از کتابت نسخه شریفه متبرکه مسمی به ریاض الملوك به روز مبارک دو شنبه کاتک سودی سیمن سمت بکرماجیتی یک هزار و هشتصد و نود مطابق



پنجم رجب سنه ۱۲۴۹ يك هزار دو صد و چهل و نه هجری محمدی در اشرف البلاد شهر مقدس بنیاد سراسر نور سری رام داس نور عرف باسیوی امرت سرجو به وقت به کنم پاس روز برآمد.

کتابشناسی

- احمد ظهور الدین (۱۹۷۷م) پاکستان میں فارسی ادب، اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب، لاهور.
- حافظ شیرازی (۱۳۷۸ش) دیوان غزلیات حافظ، خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، تهران.
- سعدی شیرازی (۱۳۷۶ش) گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران.
- طبری، فتح نیا (۱۳۸۰ش) محمد غوث پیشاوری. دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره به سر پرستی حسن انوشه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تگران.
- غوث محمد (۱۲۴۹ق) ریاض الملوک نسخه دست نویس، شماره ۷۰۹/pei/۴۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور.
- منزوی احمد (۱۹۹۰م) فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- Abdullah S. M. A. D. (1942) A Descriptive Catalogue of the Persian, Urdu and Arabic Manuscripts in the punjabuniversity library Lahore.